

شناسایی ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی خانوارهای دریافت‌کننده وام در ایران و تأثیر آن بر شکاف فقر

حسن درگاهی^۱

محمد رضا مظلوم پور^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۲۵

تاریخ ارسال: ۱۳۹۳/۲/۲۷

چکیده:

نحوه تأثیر اعتبارات پرداختی به خانوارها و تأثیر آن در کاهش فقر خانوارهای فقیر از مقوله‌های مهم اجتماعی و اقتصادی است که در چارچوب ادبیات اقتصاد خانوار و مسئله محدودیت اعتباری خرد بدان پرداخته شده است. در این تحقیق بر اساس داده‌های بودجه خانوارهای شهری و روستایی سال ۱۳۹۰ و با کاربرد سه الگوی لوجیت، ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی خانوارهای دریافت‌کننده وام شناسایی و اثر وام در احتمال فقیر شدن یا نشدن آن‌ها بررسی می‌شود. سپس با استفاده از دو مدل رگرسیون خطی براساس داده‌های مقطعی، اثر وام در کاهش نسبت شکاف فقر خانوارهای فقیر شهری و روستایی مورد توجه قرار می‌گیرد. نتایج برآوردهای تحقیق نشان می‌دهد که افزایش دهک هزینه‌ای خانوار و همچنین افزایش سن سرپرست خانوار احتمال دریافت وام را افزایش، و اشتغال سرپرست خانوار، افزایش بعد خانوار و همچنین شهرنشین بودن خانوار، احتمال دریافت وام را کاهش می‌دهد. این یافته، وجود محدودیت اعتبارات برای خانوارهای کم درآمد را تأیید می‌کند. از سوی دیگر نتایج حاکی از عدم کارایی اعتبارات در کاهش شکاف فقر خانوارهای فقیر است.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد خانوار، محدودیت اعتباری، اعتبارات خرد، شکاف فقر، ایران

طبقه بندی JEL: G21, I32, D12, C55

h-dargahi@sbu.ac.ir

mr_mazloupour@yahoo.com

۱. دانشیار دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی

۲. کارشناس ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی

۱-مقدمه

برقراری عدالت اجتماعی و توسعه انسانی به عنوان ملزومات توسعه اقتصادی، و چرخه فقر و افتادن در دام آن از موانع بزرگ بر سر راه پیشرفت و توسعه بشمار می آید. در این رابطه شناسایی خانوارهای فقیر و بررسی میزان تأثیرگذاری وام‌های اعطایی به آنها در جهت کاهش فقر و نیز شیوه تأمین مالی و ساز و کار اجرایی وام دادن به فقرا از مسائل مهمی است که برای شکستن چرخه شوم فقر مورد توجه قرار گرفته است. امروزه، نگاه جامع به توسعه و لزوم رفع فقر سبب شده است تا نهادهای بین‌المللی با هدف توسعه انسانی و توسعه پایدار سعی نمایند که روش مالیه خرد یا میکرو فاینانس^۱ را به عنوان یک ابزار کارآمد توسعه بخشند. اجرای موفقیت آمیز برخی طرح‌های فقرزدایی از جمله طرح‌هایی در قالب مالیه خرد توانسته است در برخی از نقاط جهان به ریشه کنی فقر کمک کند. مطابق مطالعات بین‌المللی، اقشار کم درآمد دسترسی بسیار محدودی به خدمات مالی متعارف در جهان دارند. روش مالیه خرد پس از سابقه موفق و تأثیرگذار خود در بانکداری با اقشار کم درآمد، اکنون جایگاه ویژه‌ای به عنوان یکی از ابزارهای مطرح در خدمات مالی جهان پیدا کرده است. تلاش مؤسسات مالیه خرد برای شناسایی و رفع موانع پوشش اقشار کم درآمد توسط ساختارهای رایج تأمین مالی، منجر به ارائه راهکارهای جدیدی گشت که با اجرای آنها، زندگی میلیون‌ها نفر در مناطق محروم در جهان دگرگون شد. اعطای جایزه صلح نوبل ۲۰۰۶ به دکتر محمد یونس، بنیانگذار بانک گرامین در بنگلادش نیز باعث افزایش توجه هرچه بیشتر به این حوزه گردید. تلاش مؤسسات مالیه خرد برای ارائه وام‌های خرد به فقرا که معمولاً به علل مختلف، بویژه نداشتن وثیقه معتبر، از آن محروم بودند باعث نجات این قشر از پدیده شوم تله فقر گردیده است (متوسلی، ۱۳۸۷)^۲.

در اقتصاد ایران اعتبارات اعطایی به خانوارها بخشی از کانال نظام بانکی و بخش دیگر از طریق مؤسسات و صندوق‌های اعتباری غیربانکی انجام می‌گیرد. سوالات مهمی که در

1. Microfinance

۲. همچنین نگاه کنید به: آگیون و مرداک، اقتصاد تأمین مالی خرد، ترجمه محمود متوسلی (۱۳۹۰)

این رابطه می‌توان مطرح نمود آن است که آیا اصولاً خانوارهای فقیر به نظام تأمین مالی موجود، به ویژه نظام بانکی رسمی، دسترسی دارند؟ و آیا اعتبارات اعطایی به خانوارها (با فرض ثابت بودن سایر عوامل)، منجر به کاهش شکاف فقر شده است؟ اگر پاسخ سوالات فوق منفی باشد، نظام تأمین مالی خانوارهای فقیر در کشور با هدف کاهش شکاف فقر و توانمندسازی آنان در ایجاد درآمد نیازمند بازنگری است. در این مقاله سعی می‌شود تا ضمن شناسایی ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی خانوارهای دریافت کننده وام در ایران، به سؤالات فوق پاسخ داده شود.

۲- مروری بر ادبیات نظری و تجربی

۲-۱- آشنایی با مفاهیم کلیدی

• تعریف فقر

تانسند^۱ معتقد است «افراد، خانواده‌ها و گروه‌های جمعیتی را زمانی می‌توان فقیر به حساب آورد که با فقدان منابع برای کسب انواع رژیم‌های غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها و شرایط و امکانات معمول زندگی، مواجه باشند.» آمارتیا سن^۲ در مطالعات خود اشاره دارد که کلیه تعاریف صورت گرفته در خصوص فقر به نوعی به محرومیت اشاره می‌کنند. به طوری که در یک کشور در حال توسعه ممکن است فقر، محرومیت از امکاناتی که برای ادامه حیات ضروری است تلقی شود (نظیر غذا، مسکن و دارو)، درحالی که در یک کشور توسعه یافته بر محرومیت نسبی از شرایط و امکانات یک زندگی متوسط دلالت کند. بنابراین باتوجه به تعاریف گوناگون فقر و اهمیت آن در ارتباط با حداقل رفاه افراد، لازم است تا رفاه، تعریف شود.

1. Townsend (1979)

2. Amartya Sen (1981)

• تعریف عملیاتی رفاه

برای تعریف عملیاتی رفاه سه شیوه درپیش گرفته شده است: در رویکرد اول رفاه را می‌توان براساس میزان برخورداری از کالاها تعریف نمود. در این رویکرد مسئله مهم آن است که آیا افراد از منابع لازم برای تامین نیازهای خود برخوردار هستند یا نه. بر این اساس با مقایسه درآمد یا مصرف فرد با مرز معینی از درآمد یا مخارج مصرفی، وضعیت وی مشخص می‌شود. چنانچه درآمد وی کمتر از این مرز باشد، فقیر تلقی می‌شود. در این رویکرد، رفاه و فقر بر اساس معیار پولی ارزیابی می‌شوند^۱. رویکرد دوم به مقوله رفاه و فقر آن است که بررسی شود آیا افراد به کالاهای مصرفی معینی (مانند اندازه کافی غذا، مسکن مناسب، مراقبت‌های بهداشتی و خدمات آموزشی) دسترسی دارند یا خیر. در این رویکرد برای ارزیابی رفاه و فقر به فراتر از معیارهای پولی توجه می‌شود. در رویکرد سوم برای اندازه‌گیری رفاه از توانایی و قابلیت برای مشارکت در جامعه استفاده می‌شود. این رویکرد که توسط آمارتیا سن (۱۹۸۷) معرفی شد از دو رویکرد دیگر برای رفاه وسیع‌تر است. بر این اساس فرد هنگامی فقیر تلقی می‌شود که از تعدادی از قابلیت‌های کلیدی محروم باشد.

• فقر مطلق و فقر نسبی

فقر مطلق به عنوان ناتوانی در کسب حداقل استاندارد زندگی تعریف شده است. در مقابل فقر نسبی به‌عنوان ناتوانی در کسب یک سطح معینی از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی، لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود تعریف شده است. در فقر نسبی که ناشی از اختلاف شدید درآمدی است فقر، صرفاً ناشی از فقدان منابع جهت تامین نیازهای اساسی نیست بلکه ناشی از کمبود منابع جهت دسترسی به حداقل استاندارد زندگی جامعه است. بنابراین در تعریف فقر نسبی به نابرابری در توزیع درآمد و ثروت بیش از میزان مطلق درآمد افراد توجه می‌شود.

• فقر اولیه و فقر ثانویه

فقر اولیه را محققین، فقری تعریف کرده‌اند که در آن افراد در تأمین نیازهای اولیه و اساسی، دسترسی به منابع ندارند ولی فقر ثانویه فقری است که در آن افراد دسترسی به منابع اولیه دارند ولی توانایی استفاده از آنها را برای افزایش سطح زندگی خود ندارند.

• خط فقر

خط فقر عبارت است از مخارجی که یک فرد در یک زمان و مکان معین برای دسترسی به یک سطح حداقل رفاه متحمل می‌شود.^۱ افرادی که به این سطح رفاه دسترسی ندارند فقیر تلقی می‌شوند. برای اندازه‌گیری فقر و تعیین فقرا و جداسازی آنها از غیرفقیرها به یک حد یا ملاکی به نام خط فقر نیاز است. این مرز را می‌توان براساس واحد پولی و حداقل مخارج برای ادامه حیات تعریف نمود. اما مفهوم ادامه حیات نیز کاملاً روشن نیست. بعضی از محققین حداقل معاش برای ادامه حیات را بر حسب میزان انرژی مورد نیاز بدن تعریف می‌کنند. با توجه به مفهوم نسبی یا مطلق فقر، خط فقر به‌عنوان حدی تعریف می‌شود که مرز بین فقرا و غیر فقرا را مشخص می‌کند. بنابراین ملاحظه می‌شود که خط فقر دارای مفاهیم مختلفی است که انتخاب هر یک در سیاست‌های عملی فقر زدایی، حائز اهمیت است. زیرا شاخص‌های فقر مثبتی بر این مفاهیم، حساسیت‌های متفاوتی در مقابل تغییرات اقتصادی و اجتماعی کوتاه‌مدت و بلندمدت یا نابرابری از خود نشان می‌دهند.

• روش محاسبه خط فقر

روش‌های محاسبه خط فقر بسیار متنوع است. بسته به مفهوم مورد پذیرش از فقر و روش محاسباتی می‌توان انواع خط فقر را معرفی نمود. در این تحقیق روش هزینه نیازهای اساسی مورد استفاده قرار گرفته است. در این روش یک سبد مصرفی حاوی میزان معینی از نیازهای اساسی فرد برآورده شده و هزینه ریالی تأمین آن به‌عنوان خط فقر لحاظ می‌شود. این روش ابتدا توسط راونتری^۲ و بوت^۳ بکار گرفته شد. برای محاسبه هزینه مواد غذایی

1. Ravallion (1998)

2. Rowntree (1901)

3. Booth (1892)

اغلب حداقل کالری مورد نیاز برای برخورداری از سلامت و حفظ کارایی فیزیکی در نظر گرفته می‌شود. فائو حداقل کالری مورد نیاز را ۲۱۰۰ کالری در نظر می‌گیرد. برخی از محققین در مطالعات خود در مورد ایران، ۲۳۰۰ کالری را برای محاسبه خط فقر در نظر گرفته‌اند.

• تعریف شاخص نسبت شکاف فقر

در این تحقیق شاخص نسبت شکاف فقر به شرح زیر مورد استفاده قرار گرفته است. فرض کنید که در جامعه ای درآمد Ω خانوار به ترتیب صعودی مرتب شده است. اگر خط فقر Z باشد، رابطه زیر نشان از این دارد که q خانوار از این جامعه، زیر خط فقر قرار دارند:

$$Y_1 \leq Y_2 \leq \dots \leq Y_q \leq Z \leq Y_{q+1} \leq \dots \leq Y_n$$

اختلاف درآمد هر خانوار از خط فقر، شاخصی به نام شکاف فقر می‌دهد که با تقسیم این اختلاف بر خط فقر، نسبت شکاف فقر بدست می‌آید. میانگین کل این نسبت‌ها برای خانوارهای فقیر، شاخص نسبت شکاف فقر را بدست خواهد داد.

شکاف فقر برای خانوار i ام $g_i = (Z - Y_i)$

$$G = \frac{1}{q} \sum_{i=1}^q \frac{Z - Y_i}{Z}$$

شاخص نسبت شکاف فقر

۲-۱- مالیه خرد

ماموریت اساسی جنبش مالیه خرد، ارائه خدمات مالی به گروه‌های فقیری است که به دلایل مختلف، شامل هزینه‌های مبادلاتی بالا، ریسک بالا، نداشتن وثیقه، نداشتن سابقه اعتباری، فرصت برخورداری از خدمات مالی عرضه شده در نظام متعارف مالی و بانکی را ندارند. در حقیقت ایجاد دسترسی به خدمات مالی برای فقرا با نگرش توانمندسازی آنان از طریق بهبود فرصت‌ها، یکی از اهداف اساسی و وجه تمایز مالیه خرد، نسبت به سایر راهکارهای سیاستی است که با نگرش حمایتی از فقرا طراحی می‌شوند. این گفته محمد یونس به عنوان بنیانگذار بانک گرامین و پیشرو جنبش مالیه خرد مبنی بر اینکه اعتبار نیز باید به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر تعریف و پذیرفته شود، نشان دهنده این نکته است

(رابینسون^۱ ۲۰۰۱ و یونس^۲ ۲۰۰۳). بسیاری از برنامه‌های فقرزدایی دولت‌ها، علی‌رغم صرف منابع مالی و هزینه‌های فراوان، نتوانسته است اهداف مورد انتظار را پوشش دهد. تا دهه ۸۰ میلادی، تصور عمومی در تأمین نیازهای مالی فقرا در قالب تحلیل شکست بازار شکل گرفت و توصیه‌های سیاستی آن دخالت مستقیم دولت برای ارائه اعتبار به فقرا به ویژه در نقاط روستایی و در قالب بانک‌های توسعه روستایی بود. اما بررسی‌ها نشان از عملکرد ضعیف این برنامه‌ها چه از نظر مالی و چه از نظر اصابت به گروه هدف داشت (استیکلیتز و هوف^۳ ۱۹۹۳، بانک جهانی ۲۰۰۱) به طوری که این دخالت‌ها به شکست دولت در مقابل شکست بازار مشهور شده است (هولم و موزلی^۴ ۱۹۹۶). مالیه خرد سعی دارد با اتکا بر تمام ظرفیت‌های تکنولوژیکی و نهادی جامعه، بازویی جهت توانمندسازی فقرا شده و عدم موفقیت طرح‌های فوق را به حداقل برساند. امروزه نگرش به مالیه خرد به حدی وسعت دارد که تمام نهادها و مؤسسات بین‌المللی سعی دارند به نوعی در اهداف توسعه‌ای خود، از جمله ریشه‌کنی فقر، بی‌سوادی، مبارزه با بیماری‌های مسری، حفظ محیط زیست، افزایش استانداردهای زندگی و تأمین مسکن، از دست آوردها و الگوهای مالیه خرد تبعیت کنند. اهداف مالیه خرد را به اختصار می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- ۱- افزایش ضریب دسترسی افراد فقیر و کم‌درآمد به اعتبارات
 - ۲- توانمندسازی اقشار فقیر جامعه و افزایش درآمد آنها توسط افزایش مهارت‌های شغلی
 - ۳- افزایش مشارکت‌های اجتماعی و آموزش فعالیت‌های گروهی به افراد فقیر
 - ۴- افزایش استانداردهای زندگی با توجه به بهداشت، بیمه، آموزش و ... افراد کم‌درآمد
 - ۵- هدایت پس‌اندازها و منابع غیرمولد به سمت فعالیت‌های اقتصادی مولد
 - ۶- توسعه و تثبیت مشاغل موجود و ایجاد مشاغل جدید برای افراد کم‌درآمد
- تحقیقات انجام شده در ارتباط با اعتبارات خرد و کاهش فقر و توسعه اقتصادی و اجتماعی حاکی از آن است که همبستگی مثبتی بین اعتبارات خرد و کاهش فقر، توانمندسازی

1. Robinson
 2. Yunus
 3. Stiglitz and Hoff
 4. Hulme and Mosley

انسانی و اقتصادی - اجتماعی وجود دارد (مایوکس^۱ ۱۹۹۹). سازمان ملل متحد سال ۲۰۰۵ را سال جهانی اعتبارات خرد نامگذاری کرد که نشان از اهمیت این روش در جهت توسعه کشورها و فقر زدایی در جهان داشت. در نشست اعتبارات خرد که در نوامبر سال ۲۰۰۶ برگزار شد، هدف دسترسی ۱۷۵ میلیون نفر از فقیرترین مردم جهان به اعتبارات خرد تا سال ۲۰۱۵ هدف قرار گرفت^۲. مطالعات نشان می‌دهد که صرف پرداخت وام‌های خرد نمی‌تواند موجب افزایش درآمد فقرا شود. نوع فعالیت اقتصادی و سودآوری، سرمایه اولیه و دارایی‌ها آن‌ها، سیاست‌های دولت و زیرساخت‌های اقتصادی عوامل مهم و تاثیرگذار بشمار می‌آیند (کوپستاک و ویلیامز^۳ ۲۰۱۱). بنابراین نقش دولت، تکنولوژی، نهادهای بین‌المللی و ارتباط دولت با بخش‌های مردمی در جهت تحقق فقر زدایی توسط نظام مالی خرد بسیار مهم است. در این رابطه سه ویژگی مهم مالی خرد یعنی توانمندسازی، پایداری و گسترش باید مورد توجه قرار گیرد.

توانمندسازی ایجاد خودباوری و اتکای به نفس در افراد به عنوان مهمترین عامل توسعه برای مبارزه با فقر است تا بتوانند با ایجاد یک شغل مناسب و یک فعالیت اقتصادی، به استقلال مالی لازم جهت افزایش استانداردهای زندگی خود برسند. جهت توانمندسازی افراد لازم است برنامه‌هایی از قبیل تشکیل گروه با کارکرد مالی و ظرفیت‌سازی اجتماعی و آموزش انجام شود. پایداری یکی از ویژگی‌های اساسی است که تداوم برنامه‌ها را به دنبال دارد. یکی از ویژگی‌های متمایزکننده برنامه‌های مالی خرد نسبت به سایر برنامه‌ها، مسأله پایداری به معنای کاهش وابستگی به منابع مالی بیرونی، کاهش هزینه‌های معاملاتی، حذف یارانه از وام‌های اعطایی و در مجموع وابستگی به همان اعضای وام‌گیرنده منظور از گسترش در نظام مالی خرد، گسترش فعالیت‌های درآمدزا از یک سو، و گسترش خدمات مالی به طور اثربخش است. مطالعه بانک جهانی بر روی فعالیت‌های مؤسسات مالی خرد نشان می‌دهد که سه هدف از بیشترین فراوانی برخوردار بوده است: الف) ایجاد اشتغال و

1. Mayoux

2. Global Microcredit Summit, Nov. 12-15, 2006, Halifax, Nova Scotia, Canada

3. Copestake and Willims

فرصت‌های کسب درآمد برای اعضا. ب) افزایش بهره‌وری و درآمد برای گروه‌های آسیب‌پذیر. ج) کاهش وابستگی خانوارها به کشاورزی در مناطق مستعد خشکسالی از طریق متنوع‌سازی ساختن فعالیت‌های ساکنین آن مناطق (لدگروود^۱، ۱۹۹۹، نواجاس^۲، ۲۰۰۰، کریستین^۳، ۲۰۰۴). با این حال آنچه در سازماندهی مؤسسات مالی خرد باید در اولویت نخست قرار داده شود، دنبال نمودن پایداری و خودگردانی مالی است (متوسلی^۴، ۱۳۸۷، نواجاس^۵، ۲۰۰۰، شراینر^۶، ۲۰۰۲). عواملی چون وابستگی به منابع دولتی (هولیس و سوئیت من^۷، ۱۹۹۸)، نرخهای بهره ترجیحی و کنترل شده (هلمز^۸، ۲۰۰۶)، عدم توجه به جذب منابع مالی از مشتریان (رابینسون^۹، ۲۰۰۱)، تأکید صرف بر اعتبار و عدم توجه به جنبه‌های آموزشی برای استفاده مولد از آن (اسنو و باس^{۱۰}، ۲۰۰۱)، عدم توجه به شرایط نهادی، اجتماعی و فرهنگی گروه هدف (وولکاک^{۱۱}، ۱۹۹۹) و عدم شناخت نیازهای واقعی گروه هدف (هولم^{۱۲}، ۲۰۰۰)، به عنوان مهمترین عوامل ناکامی و شکست برنامه‌های مالی خرد تبیین شده‌اند. مقایسه مالی خرد متعارف با مالی خرد اسلامی نشان می‌دهد که مالی خرد اسلامی به دلیل وجود عقود اسلامی مانند مرابحه و منابع تأمین مالی همچون قرض الحسنه، زکات، وقف و صدقات دارای پتانسیل بیشتری نسبت به مالی خرد متعارف است (اسمولو^{۱۳}، ۲۰۱۱). در بحث دلایل عدم پوشش فقرا در ساختارهای مالی رایج تأمین مالی، می‌بایست ویژگی‌های طرف تقاضا و عرضه مورد توجه قرار گیرد.

الف) ویژگی‌های طرف تقاضا

درآمدهای پایین و نامنظم و بازپرداخت‌های سنگین از اصلی‌ترین دلایل عدم تمایل اقشار کم‌درآمد برای استفاده کردن از محصولات مالی متعارف بوده است. این عوامل در کنار

1. Ledgerwood
2. Navajas
3. Christen
4. Schreiner
5. Hollis and Sweetman
6. Helms
7. Snow and Buss
8. Woolcock
9. Hulme
10. Smolo

لزوم ایجاد توازن در هزینه های غذایی، حمل و نقل، بهداشت، آموزش، مسکن و هزینه های اضطراری، وضعیتی را برای این افراد به وجود می آورد که معمولاً تمایلی برای اخذ وام از مؤسسات مالی رایج نشان نمی دهند. این پدیده در کشورهای مختلف با شدت و ضعف های مختلفی صادق است. نداشتن وثیقه و ضامن مورد قبول مؤسسات مالی نیز از دلایل بسیار مهم عدم پوشش فقرا توسط ساختارهای فعلی تأمین مالی بوده است. از آنجا که اکثر افراد فقیر در روستاها و حاشیه شهرها عموماً فاقد مالکیت رسمی یا دارای مالکیت مبهم هستند، از شمول شرایط وام گیری از بانکها و مؤسسات مالی تجاری خارج شده و این موضوع باعث تشدید فقر و شکاف درآمدی در این قشر می گردد. همچنین، اشتغال اکثریت این افراد در اقتصاد غیر رسمی، امکان ارائه ضامن را به شدت کاهش می دهد. نکته آخر این که فقدان سواد و اطلاعات و مهارت های مالی لازم از دلایل پایین بودن تقاضا و دسترسی اقشار کم درآمد به خدمات مالی متعارف گزارش می شود.

ب) ویژگی های طرف عرضه

از طرف عرضه نیز مؤسسات مالی و بانک های تجاری برنامه های مشخصی برای وام دهی به اقشار کم درآمد نداشته اند. غالباً از دید مؤسسات مالی، هزینه وام ها و نرخ های بهره در مقابل استطاعت فقرا برای بازپرداخت، بالا بوده و بانک های تجاری علاقه ای برای مشارکت در این برنامه ها و طراحی ابزارهای مالی خاص برای اقشار کم درآمد ندارند. این پیش فرض که "بانکداری با فقرا، سودمند نیست" و نیز "فقرا بازار مالی بزرگ و قابل توجهی نیستند" از دلایل پرهیز بانک های تجاری برای ورود به این حوزه بوده است. هم چنین عدم اعتماد سپرده گذاران و سهامداران نسبت به وام دهی به فقرا، از دلایل دیگر تشدید کننده محرومیت اقشار کم درآمد از خدمات مالی متعارف بشمار می آید. مؤسسات مالی خرد با سوابق موفقیت آمیز در صدد زدودن این باورهای غلط هستند. نحوه ضمانت وام های فقرا و مساله وثیقه شاید یکی از اصلی ترین موانع مشارکت بانک ها و مؤسسات مالی تجاری در وام دهی به اقشار کم درآمد باشد، مسأله ای که مؤسسات مالی خرد تلاش چشمگیری در رفع آن داشته اند. کمبود اطلاعات درباره رتبه بندی ریسک و

اعتبار افراد فقیر و نبود نظام اطلاعاتی نیز باعث شده تا بسیاری از افراد خوش حساب قشر کم درآمد، از دسترسی به خدمات تأمین مالی محروم بمانند. لذا سنجش فقر و نیز راهکارهای مختلف فقرزدایی در دهه های اخیر اهمیت بیشتری در کشورهای دنیا، به ویژه کشورهای توسعه نیافته، پیدا کرده است.

۲-۲- شناسایی مشخصه های فقر

مهمترین کارکرد دولت در ارتباط با وظیفه توزیع مجدد درآمد، مبارزه با فقر و کاهش آن است. اما عملی نمودن آن، در گرو شناسایی هرچه دقیق تر گروه هدف است. آنچه بر دشواری کار می افزاید، جنبه های مختلف فقر و عدم مشاهده مستقیم آن است. چنین مشکلاتی باعث می شود تخصیص مجدد منابع مالی محدود، به خوبی میسر نشده و منجر به بهره برداری کامل گروه های هدف از آن نشود. از این رو طی سال های گذشته تلاش های بسیاری جهت تدوین و ارائه راهکارهای عملی شناسایی فقرا صورت گرفته است که مجموعه این مطالعات را می توان در قالب دو گروه کلی مطالعات براساس شاخص های فقر و مطالعات مبتنی بر مدل های اقتصادی تقسیم بندی کرد. نیلی و همکاران (۱۳۷۶) با استفاده از نتایج یک نمونه گیری در مورد هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی در دوره ۷۳-۱۳۶۹ به بررسی تحولات فقر در ایران پرداخته اند. آنها ابتدا به بررسی توزیع درآمد در کشور پرداخته و نتیجه گرفته اند که بخش قابل توجهی از نابرابری ها در کشور از نابرابری بین مناطق شهری و روستایی پدید آمده است. همچنین عواملی چون بعد خانوار، سطح سواد سرپرست خانوار، وضعیت اشتغال سرپرست خانوار و نیز وضعیت محل سکونت خانوار می تواند از عوامل توضیح دهنده وضعیت رفاه خانوار باشد. صمدی (۱۳۷۸) در رساله دکتری خود، گستره فقر را در ایران به تفکیک مناطق شهری و روستایی برآورد کرده است. وی نتیجه می گیرد که خط فقر در مناطق روستایی حدوداً ۴۰ درصد پایین تر از مناطق شهری است. پروین و زیدی (۱۳۸۰)، در مقاله ای اثر سیاست های تعدیل اقتصادی را بر فقر و توزیع درآمد مورد بررسی قرار داده اند. نتایج مطالعه آنان نشان

می‌دهد که سیاست کاهش ارزش پول ملی بیشترین و سیاست افزایش مخارج دولت، کمترین تاثیر را بر گسترش فقر و نابرابری دارد. عرب مازار و حسینی نژاد (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان "برآورد میزان فقر و شدت آن در گروه‌های مختلف شغلی خانوارهای روستایی ایران" به مطالعه ویژگی‌های خانوارهای فقیر روستایی پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که شغل سرپرست خانوار، منطقه جغرافیایی محل سکونت سرپرست خانوار از عوامل تعیین‌کننده فقر خانوارهای روستایی است. به طوری که احتمال فقیر بودن خانوار با سرپرست شاغل بخش آزاد تولیدی بیش از خانواری است که سرپرست آن شاغل آزاد بخش خدماتی است و یا ساکنین مناطق مرکزی کشور نسبت به ساکنین مناطق جنوبی کشور احتمال فقیر بودنشان بیشتر است. عرب مازار و حسینی نژاد (۱۳۸۳) در مقاله‌ای دیگر با عنوان "عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای شاغل روستایی در ایران" به بررسی اثرات ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارهای روستایی از جمله سن سرپرست خانوار، بار تکفل، جنسیت سرپرست، موقعیت جغرافیایی محل سکونت، نوع اشتغال سرپرست خانوار بر میزان فقر خانوارها پرداخته و اثرات هر کدام را بر کاهش میزان احتمال فقیر شدن خانوار به کمک یک مدل لجیت و توسط داده‌های سال ۱۳۷۹ مرکز آمار ایران از ۱۰۸۲۸ خانوار روستایی اندازه‌گیری کرده‌اند. راغفر و ابراهیمی (۱۳۸۶) در تحقیقی با استفاده از آمار هزینه و درآمد خانوارها به اندازه‌گیری فقر در مناطق شهری و روستایی ایران طی سالهای ۶۸ تا ۱۳۸۳ پرداخته‌اند. مطابق نتایج آنان در این دوره همواره میزان شاخص‌های فقر در مناطق روستایی بیش از مناطق شهری بوده است. ارشادی و کریمی (۱۳۹۲) در تحقیقی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران را مورد مطالعه قرار داده‌اند. در این تحقیق خط فقر مطلق غذایی بر اساس تغذیه مناسب (۲۳۰۰ کالری) و خط فقر نسبی نیز از طریق ۶۶ درصد هزینه‌های کل (خوراکی و غیر خوراکی) خانوار بدست آمده است. نتایج آنها حاکی از بالا بودن فقر نسبی و مطلق روستایی نسبت به شهری است و اینکه سیاست‌ها و برنامه‌های فقر زدایی در ایران بر فقر مطلق متمرکز بوده و به فقر نسبی، کمتر توجه داشته است.

۲-۳- اعتبارات خرد و کاهش فقر

عرب مازار (۱۳۷۹) نشان می‌دهد که کشاورزان نیازهای مالی خود را از پس اندازه‌های شخصی، فروش دارایی‌ها، بانک کشاورزی، بانک‌های تجاری، صندوق‌های قرض الحسنه، کسبه محل، سلف خران و آشنایان تأمین می‌کنند به طوری که حدود ۷۶ درصد تأمین مالی از منابع رسمی و ۲۴ درصد آن از منابع غیر رسمی است. بر اساس مطالعه افتخاری و عینالی (۱۳۸۳) اثر بخشی منابع اعتباری خرد در بهبود شرایط زندگی روستاییان و کشاورزان خرده‌پا، بسیار بالاست. حسن زاده و ارشدی (۱۳۸۲) اثر اعتبارات خرد در کاهش فقر و افزایش درآمد را مورد بررسی قرار داده‌اند. در الگوی این مطالعه درآمد سرانه به عنوان متغیر وابسته و بعد خانوار، نرخ اشتغال و نسبت تسهیلات قرض الحسنه به کل تسهیلات (جایگزین شاخص اعتبار خرد) به عنوان متغیرهای وابسته بکار رفته‌اند. برخلاف انتظار، متغیر نسبت تسهیلات قرض الحسنه به کل تسهیلات دارای ضریب معناداری نبوده است. حسن زاده و قویدل (۱۳۸۴) در بررسی چالش‌های تأمین مالی خرد روستایی در ایران، به مقایسه تطبیقی صندوق‌های قرض الحسنه روستایی و گرامین بانک بنگلادش پرداخته و نتیجه گرفتند که صندوق‌های قرض الحسنه به رغم ماهیت آنها، نقش کمتری در کاهش فقر و توانمندسازی افراد نیازمند دارند. مطالعه نجفی (۱۳۸۴) در مورد وام‌های اعطایی بخش غیر رسمی نشان می‌دهد که این وام‌ها به علت نداشتن محدودیت در نوع مصرف و زمان انتظار کوتاه آن، غالباً دارای ماهیت مصرفی هستند. نجفی و یعقوبی (۱۳۸۴) در یک مطالعه موردی در استان فارس بر اساس نمونه‌ای از ۲۱۶ خانوار روستایی نشان دادند که نرخ کارمزد اعتبارات کشاورزی منابع رسمی، به دلیل پرداخت یارانه از سوی دولت، کمتر از نرخ کارمزد منابع غیر رسمی است اما با احتساب هزینه‌های جانبی دریافت وام، مانند هزینه تأمین وثیقه یا ضامن، هزینه کارشناسی و اداری، هزینه دریافت وام از بخش رسمی افزایش می‌یابد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که کشاورزان خرده‌پا و کم‌درآمدتر، اصلی‌ترین بخش دریافت‌کننده وام از منابع غیر رسمی را تشکیل می‌دهند. نتایج مطالعه عرب مازار و سعدی (۱۳۸۵) در ارزیابی طرح حضرت زینب (س)،

که توسط بانک کشاورزی برای اشتغال زنان سرپرست خانوار انجام گرفته است، نشان می‌دهد که بر اساس ارزیابی تعداد ۸۴۲ نفر وام گیرنده تا سال ۲۰۰۵، طرح مذکور حدود ۸۵ درصد موفقیت داشته و موفقیت طرح بستگی به مقدار وام، درآمد خانوار، همکاری خانواده با یکدیگر، سطح تحصیلات و سن زنان دارد. ازوجی (۱۳۸۶) نتیجه می‌گیرد که دستیابی به رشد درآمد سرانه در مناطق گوناگون کشور و کاهش فقر خانوارهای کم درآمد و محروم بطور عمده از طریق پدید آوردن فرصت‌های شغلی مناسب و پایدار امکان پذیر است و ابزار اعطای وام در شکل اعتبارات خرد به تنهایی نمی‌تواند به کاهش فقر در مناطق کشور بینجامد چرا که ممکن است ثبات و پایداری کافی نیابد. مطالعه لوی^۱ (۲۰۰۲) نشان داد که برنامه‌های اعتبارات خرد در جهت فقر زدایی باید با هدفگذاری استقلال مالی بیشتر برای وام گیرندگان فقیر و در راستای توانمندسازی آن‌ها همراه باشد و افزایش وابستگی به اعتبارات برای افراد فاقد سرمایه خطرناک است. گادکوئین^۲ (۲۰۰۴) نیز معتقد است که اندازه وام باید متناسب با نیاز و توان فقرا باشد و اندازه بزرگ وام می‌تواند باعث کاهش نرخ بازپرداخت شود. گلاسمن و بردسال^۳ (۲۰۱۳) در مقاله‌ای طرح پرداخت یارانه کالایی و پرداخت یارانه نقدی در هند را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج مطالعات آنها نشان می‌دهد که نبود قانون شناسایی فقرا، در کنار مکانیسم ضعیف و در نهایت فساد دستگاه اجرایی، عواملی هستند که منجر به شکست این طرح شده و نه تنها این نحوه پرداخت یارانه باعث کاهش فقر در هند نشده است بلکه حدوداً ۷۰ درصد افرادی که از این نحوه پرداخت یارانه منتفع می‌شدند، اساساً فقیر نبوده‌اند.

۳- تحلیل داده‌های تحقیق

در تحقیق حاضر اطلاعات مربوط به ۳۴۷۳۲ خانوار شهری و روستایی بر اساس طرح هزینه و درآمد سال ۱۳۹۰ مرکز آمار، مورد استفاده قرار گرفته است. داده مذکور شامل ۱۷۸۱۳

-
1. Levy
 2. Godquin
 3. Glassman and Birdsall

خانوار روستایی و ۱۶۹۱۹ خانوار شهری است که به ترتیب ۳۱۲۱ خانوار روستایی و ۳۸۱۵ خانوار شهری از اعتبارات نظام بانکی و مالی رسمی از جمله صندوق های قرض الحسنه محلی و اداری وام گرفته اند.

۱-۳- ویژگی های اقتصادی-اجتماعی خانوارها

مطابق آمار بودجه خانوار سال ۱۳۹۰ متوسط بعد خانوارهای روستایی بیشتر از خانوارهای شهری است و نیز متوسط هزینه هر خانوار شهری بیشتر از خانوار روستایی است به طوری که متوسط هزینه خانوارهای شهری ۱/۳ برابر متوسط هزینه خانوارهای روستایی است.

جدول ۱: ویژگی های اجتماعی-اقتصادی خانوارهای مورد مطالعه در سال ۱۳۹۰

روستایی (۱۷۸۱۲ خانوار)	شهری (۱۶۹۱۹ خانوار)	ویژگی خانوار
۴/۳۲	۴/۰۴	بعد خانوار
۱۲۵,۶۰۰,۷۶۹	۱۶۴,۶۱۳,۳۶۸	متوسط هزینه سالانه هر خانوار (ریال)
۱/۵۴	۱/۵۲	تعداد افراد صاحب درآمد در هر خانوار
۱/۴	۱/۰۶	تعداد افراد شاغل در هر خانوار
۹۵/۸	۹۵/۷	درصد اشتغال سرپرست خانوار
۹۲/۱	۹۲/۷	درصد مرد بودن سرپرست خانوار
۷۰/۵	۸۶/۸	درصد باسوادی سرپرست خانوار
۴۸/۸	۴۷/۵	متوسط سن سرپرست خانوار
۹۱/۸	۹۲/۲	درصد تاهل سرپرست خانوار
۹۶/۱	۸۲/۲	درصد خانوارهای با محل سکونت غیر استیجاری (شخصی، سازمانی)

منبع: یافته های تحقیق

تعداد شاغلین در خانوارهای روستایی بیشتر از خانوارهای شهری بوده و نیز درصد با سوادی سرپرستان خانوارهای شهری بیشتر از خانوارهای روستایی است. مشکل مسکن در خانوارهای شهری بیشتر است چنانچه داده‌ها نشان می‌دهد، درصد مالکیت خانوارهای روستایی بیشتر از خانوارهای شهری است. در سایر ویژگی‌ها مانند درصد اشتغال سرپرست خانوار، درصد مرد بودن سرپرست خانوار و نیز متوسط سن سرپرست خانوار، تفاوت چندانی بین خانوارهای روستایی و شهری مشاهده نمی‌شود.

۳-۲- نحوه توزیع اعتبارات به تفکیک دهک‌های هزینه‌ای

خانوارهای شهری و روستایی که در دهک‌های پایین‌تر هزینه‌ای قرار دارند دسترسی کمتری به اعتبارات دارند. به طوری که ۵/۷ درصد از خانوارهای شهری و ۶/۶ درصد از خانوارهای روستایی دهک اول دسترسی به وام داشته‌اند.

جدول ۲: توزیع مبلغ وام‌های اعطایی به خانوارها (درصد)

جمع	سهم هر دهک از کل مبلغ وام‌ها		دهک
	روستا	شهر	
۲/۰۳	۲	۰/۰۳	۱
۲/۹۹	۲	۰/۹۹	۲
۴/۲۸	۲/۶۸	۱/۶	۳
۴/۷۴	۲/۶۲	۲/۱۲	۴
۶/۶۷	۳/۶۳	۳/۰۴	۵
۷/۹۹	۳/۴۲	۴/۵۷	۶
۱۱/۳۱	۴/۵۹	۶/۷۲	۷
۱۲/۷۴	۵/۰۷	۷/۶۷	۸
۱۸/۳۹	۵/۶۹	۱۲/۷	۹
۲۸/۹	۷/۷	۲۱/۲	۱۰
۱۰۰	۳۹/۴	۶۰/۶	جمع

منبع: محاسبات تحقیق

این در حالی است که ۳۷/۵ درصد از خانوارهای شهری و ۴۲/۳ درصد از خانوارهای روستایی دهک دهم استفاده کننده وام بوده اند. نحوه توزیع وام بر حسب مبلغ (جدول ۲) نیز مبین این نکته است که خانوارهای دهک های پایین درآمدی سهم کمتری از کل وام های اعطایی را دریافت کرده اند. به طوری که خانوارهای دهک اول معادل ۲/۰۳ درصد و خانوارهای دهک دهم معادل ۲۸/۹ درصد از کل مبالغ را دریافت کرده است. نتایج نشان می دهد که تنها حدود ۱۴ درصد از کل مبالغ وام به چهار دهک درآمدی پایین و حدود ۴۷ درصد به دو دهک بالای درآمدی رسیده است.

جدول ۳: توزیع وام خانوارها به تفکیک وام های بانکی و غیر بانکی

دهک	درصد وام های بانکی			درصد وام های غیر بانکی		
	کل	شهر	روستا	کل	شهر	روستا
۱	۲/۹	۰/۰۵	۲/۹۳	۴/۴۳	۰/۱۸	۴/۲۵
۲	۴/۷	۱/۶	۳/۰۷	۵/۱	۲/۷۸	۲/۳۶
۳	۵/۹	۲/۲	۳/۷۷	۶/۹	۳/۰۷	۳/۸۹
۴	۶/۴	۲/۷	۳/۷۷	۷/۱	۴/۱۹	۲/۸۹
۵	۸/۱	۳/۳	۴/۸۲	۱۰/۲	۵/۳۲	۴/۹۰
۶	۹/۹	۵/۱	۴/۸۴	۴/۳۷	۰/۶۵	۳/۷۲
۷	۱۱/۹	۵/۹	۶/۰۶	۱۲/۵	۸/۹۲	۳/۵۴
۸	۱۳/۲	۷/۴	۵/۸۳	۱۴/۸	۹/۱	۵/۰۸
۹	۱۶/۶	۱۰/۵	۶/۱۴	۱۶/۳	۱۲/۶	۳/۶۶
۱۰	۲۰/۱	۱۳/۲	۶/۹۲	۱۸/۹	۱۵/۲	۳/۷۲
جمع	۱۰۰	۵۱/۷	۴۸/۳	۱۰۰	۶۲	۳۸

منبع: محاسبات تحقیق

جدول ۳ نحوه دسترسی خانوارها به تسهیلات مؤسسات بانکی و غیر بانکی را نشان می‌دهد. همچنانکه مشاهده می‌شود حدود ۲۰ درصد وام‌های بانکی و ۱۹ درصد وام‌های غیربانکی متعلق به خانوارهای دهک دهم درآمدی است. این در حالی است که خانوارهای دهک اول به ترتیب ۳ و ۴/۴ درصد وام‌های بانکی و غیر بانکی را استفاده کرده‌اند. نتایج تحلیل داده‌ها را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود:

- ۱- دسترسی خانوارهای دهک‌های بالای درآمدی به نظام بانکی، بطور نسبی بیشتر از دهک‌های پایین درآمدی است یعنی نظام بانکی موجود تمایلی به فعالیت با دهک‌های درآمدی پایین را ندارد.. بانک‌ها به دنبال ریسک کمتر و بازدهی بیشتر هستند.
- ۲- دهک‌های پایین درآمدی شهری، شانس کمتری نسبت به دهک‌های مشابه روستایی در اخذ وام از نظام بانکی داشته‌اند. شاید دلیل، آن باشد که در این حوزه برخی بانک‌ها مانند بانک کشاورزی می‌بایست اعتبارات خود را فقط در اختیار کشاورزان قرار دهند.
- ۳- نظام مالی غیر بانکی (از قبیل صندوق‌های قرض الحسنه محلی) توانسته است در جامعه روستایی به طور نسبی، عدالت در توزیع اعتبارات را رعایت کند و تقریباً دسترسی دهک‌های مختلف جامعه روستایی به اعتبارات غیر بانکی (به لحاظ تعداد) یکسان است. دلیل این امر شاید بوروکراسی کمتر اداری و هزینه‌های کمتر اخذ وام از این مؤسسات باشد. در جامعه شهری، این عدالت در توزیع دیده نمی‌شود و دسترسی خانوارهای پردرآمد به اعتبارات این گونه مؤسسات بیشتر است.

۴- الگوهای تحقیق

جهت شناسایی ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارهای دریافت‌کننده وام و نیز نقش وام‌های اعطایی به خانوارها در کاهش شکاف فقر، در این تحقیق از ۵ الگو، شامل سه الگوی لوجیت و دو الگوی رگرسیون خطی، به شرح زیر استفاده شده است. در مورد استفاده از الگوسازی لوجیت یادآوری می‌شود که در این تحقیق با توجه به کیفی بودن متغیر وابسته، روش‌های لوجیت و پرابیت به طور همزمان مورد برآورد قرار گرفتند. در هر

دو روش، علامت و معناداری متغیرها یکسان بود. با این حال با مقایسه خوبی برآزش از طریق آماره H-L (Hosmer-Lemeshow)، نتایج الگوهای لوجیت گزارش شده است.

الگوی اول: مدل لوجیت^۱ برای شناسایی ویژگی‌های خانوارهای دریافت کننده وام
الگوی دوم: مدل لوجیت برای بررسی اثر استفاده از وام در احتمال فقیر شدن یا نشدن خانوارها

الگوی سوم: مدل لوجیت برای بررسی اثر میزان وام به هزینه خانوار در احتمال فقیر شدن یا نشدن خانوارها

الگوی چهارم: مدل رگرسیون خطی براساس داده های مقطعی برای بررسی اثر وام در کاهش نسبت شکاف فقر خانوارهای فقیر روستایی

الگوی پنجم: مدل رگرسیون خطی براساس داده های مقطعی برای بررسی اثر وام در کاهش نسبت شکاف فقر خانوارهای فقیر شهری

۵- نتایج برآورد مدل ها

۵-۱- مدل لوجیت برای شناسایی ویژگی های خانوارهای دریافت کننده وام

در مدل لوجیت زیر متغیر وابسته داشتن وام (TL=1) و یا نداشتن وام (TL=0) است:

$$TL = C + \beta_1 A + \beta_2 E + \beta_3 EG + \beta_4 EM + \beta_5 NEM + \beta_6 NF + \beta_7 S + \beta_8 U + \varepsilon$$

در این الگو، سن سرپرست خانوار، تحصیلات (سواد داشتن یا نداشتن)، بعد خانوار، جنسیت سرپرست خانوار و شهری یا روستایی بودن خانوار به عنوان ویژگی های اجتماعی، و دهک هزینه، شاغل بودن یا نبودن سرپرست، و تعداد شاغلین در هر خانوار به عنوان ویژگی های اقتصادی خانوار، منظور شده اند. مطابق نتایج (جدول ۴)، متغیر سن سرپرست خانوار، دهک هزینه خانوار، اشتغال سرپرست خانوار، بعد خانوار و شهری بودن یا نبودن

۱. در این تحقیق، باتوجه به اینکه متغیر وابسته، کیفی بوده است، دو مدل لوجیت و پرابیت، همزمان برآورد شدند. از آنجاییکه میزان آماره H-L (Hosmer-Lemeshow) برای خوبی برآزش در مدل‌های لوجیت برآورد شده بیش از مدل‌های پرابیت بود و نیز علامت و معنی داری متغیرها اهمیت داشت نه مقدار آنها و علامت‌ها و معنی داری‌ها در هر دو مدل یکی بود، نتایج مدل لوجیت در این تحقیق گزارش شده است.

خانوار از عوامل تعیین کننده داشتن یا نداشتن وام خانوار بشمار می آید. علامت ضرایب برآورد شده نشان می دهد که، شاغل بودن سرپرست خانوار، افزایش بعد خانوار و شهر نشین بودن خانوار، احتمال دریافت وام توسط خانوار را کاهش داده و افزایش دهک خانوار و افزایش سن سرپرست خانوار شانس دریافت وام را افزایش می دهد. این نکته تاییدی بر این فرضیه است که دسترسی خانوارهای کم درآمد به اعتبارات بطور نسبی، کم است.

جدول ۴: نتایج مدل لجیت برای شناسایی ویژگی های خانوارهای دریافت کننده وام

متغیر	علامت	شرح متغیر	مقدار ضریب	انحراف معیار	آماره Z	سطح معناداری
عدد ثابت	C		-۲/۸۲۷۷	۰/۱۸۵۴	-۱۵/۲	۰.۰۰۰۰
سن سرپرست	A		۰/۰۲۹۶	۰/۰۰۷۰	۴/۲۳	۰.۰۰۰۰
مجذور سن	A*A		-۰/۰۰۰۳	۶/۷۵E-۰۵	-۵/۶۲	۰.۰۰۰۰
تحصیلات	E	۱=سواد بی ۰=سواد	۰/۰۳۰۵	۰/۰۳۹۹	۰/۷۶	۰/۴۴۴
دهک هزینه	EG		۰/۲۳۶۹	۰/۰۰۵۸	۴۰/۲	۰.۰۰۰۰
اشتغال سرپرست	EM	۱=شاغل ۰=بیکار	-۰/۱۹۰۹	۰/۰۷۰۵	-۲/۷۰	۰/۰۰۶۸
تعداد شاغلین	NEM		۰/۰۲۰۹	۰/۰۱۷۱	۱/۲۲	۰/۲۱۹۸
بعد خانوار	NF		-۰/۰۷۳۷	۰/۰۰۹۶	-۷/۶۷	۰.۰۰۰۰
جنسیت سرپرست	S	۱=مرد ۰=زن	۰/۰۵۸۲۸	۰/۰۵۵۶	۱/۰۴	۰/۲۹۵
شهری و روستایی	U	۱=شهری ۰=روستایی	-۰/۱۵۱۵	۰/۰۳۱۰	-۴/۸۸	۰.۰۰۰۰

منبع: محاسبات تحقیق

۵-۲- مدل لجیت برای بررسی اثر وام در احتمال فقیر بودن خانوارها

در این بخش دو مدل لجیت برای تعیین عوامل مؤثر در احتمال فقیر بودن ($DPOV=1$) و یا فقیر نبودن ($DPOV=0$) خانوارها با تاکید بر نقش اعتبارات مورد برآورد قرار می‌گیرد. در مدل اول متغیر داشتن وام ($TL=1$) و یا نداشتن وام ($TL=0$) و در مدل دوم نسبت مبلغ وام به هزینه خانوار، به عنوان متغیر جایگزین اعتبارات، مورد استفاده قرار گرفته است.

جدول ۵: مدل لجیت برای تعیین عوامل مؤثر در فقیر شدن خانوار (۱)

متغیر	علامت	شرح متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره Z	سطح معناداری
عدد ثابت	C		۰/۳۷۶۷	۰/۱۸۸۴	۱/۹۹	۰/۰۴۵۶
سن سرپرست	A		-۰/۰۹۲۱	۰/۰۰۶۹	-۱۳/۱	۰/۰۰۰۰
مجذور سن	A*A		۰/۰۰۰۵	۶/۶۷E-۰۵	۸/۹۳	۰/۰۰۰۰
تحصیلات سرپرست	E	۱=سواد بی ۰=سواد	-۰/۸۷۹۲	۰/۰۴۲۴۰	-۲۰/۷	۰/۰۰۰۰
اشتغال سرپرست	EM	۱=شاغل ۰=بیکار	-۰/۰۰۴۲	۰/۰۷۷۸	-۰/۰۵	۰/۹۵۶۲
تعداد شاغلین	NEM		-۰/۲۵۹۹	۰/۰۲۰۲	-۱۲/۸	۰/۰۰۰۰
بعد خانوار	NF		۰/۶۲۴۵	۰/۰۱۲۰	۵۱/۶	۰/۰۰۰۰
جنسیت سرپرست	S	۱=مرد ۰=زن	۰/۰۰۴۵	۰/۰۶۱۵	۰/۰۷	۰/۹۴۰۶
شهری یا روستایی	U	۱=شهری ۰=روستایی	-۱/۴۱۹۴	۰/۰۳۵۱	-۴۰/۴	۰/۰۰۰۰
وام داشتن یا نداشتن	TL	۱=وام دارد ۰=وام ندارد	-۱/۰۸۹۳	۰/۰۵۱۰	-۲۱/۳	۰/۰۰۰۰

منبع: محاسبات تحقیق

الف) مدل اول با در نظر گرفتن متغیر داشتن و یا نداشتن وام

$$DPOV = C + \beta_1 A + \beta_2 E + \beta_3 EM + \beta_4 NEM + \beta_5 NF + \beta_6 S + \beta_7 U + \beta_8 TL + \varepsilon$$

مطابق نتایج (جدول ۵)، افزایش سن سرپرست خانوار، با سواد بودن سرپرست خانوار، افزایش تعداد شاغلین در خانوار، شهرنشین بودن خانوار و داشتن وام، احتمال فقیر شدن خانوارها را کاهش و افزایش بعد خانوار احتمال فقیر شدن خانوار را افزایش می‌دهد. بنابراین داشتن وام می‌تواند احتمال فقیر شدن خانوارها را کاهش دهد. این نتیجه می‌تواند تأییدی بر این فرضیه باشد که توسعه نظام مالی برای فقرا می‌تواند آنها را در خروج از فقر یاری دهد.

ب) تصریح ساختار مدل دوم با در نظر گرفتن نسبت مبلغ وام به هزینه خانوار

$$DPOV = C + \beta_1 A + \beta_2 E + \beta_3 EM + \beta_4 NEM + \beta_5 NF + \beta_6 S + \beta_7 U + \beta_8 \frac{L}{NE} + \varepsilon$$

مطابق نتایج (جدول ۶)، افزایش سن سرپرست خانوار، با سواد بودن سرپرست خانوار، افزایش تعداد شاغلین در خانوار، شهرنشین بودن خانوار و افزایش نسبت مبلغ وام به هزینه های خانوار، احتمال فقیر شدن خانوار را کاهش و افزایش بعد خانوار، احتمال فقیر شدن خانوار را افزایش می‌دهد. نتایج این الگو همچون مدل قبل، نقش مثبت توسعه نظام مالی را در کاهش فقر تأیید می‌کند.^۱

۵-۳- مدل رگرسیون خطی برای بررسی عوامل تعیین کننده شکاف فقر

در این بخش عوامل تعیین کننده شکاف فقر خانوارهای فقیر به تفکیک خانوارهای شهری و روستایی با برآورد دو مدل رگرسیون خطی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. در مدل‌های لوجیت میزان آماره 2 R برای بیان خوبی برازش مدل، آماره مک فادن (McFadden R-squared) است. این آماره در مدل‌های برآورد شده تحقیق، بیش از ۲۰ درصد است که در مدل‌های لوجیت، عددی قابل قبول است. یادآوری می‌شود که در بسیاری از مقالات، صرفاً بر بیش از صفر بودن و در بسیاری دیگر از مقالات تجربی، آماره‌های بیش از ۱۰ درصد، مطلوب منظور شده‌اند.

جدول ۶: مدل لوجیت برای تعیین عوامل مؤثر در فقیر شدن خانوار (۲)

متغیر	علامت	شرح متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره Z	سطح معناداری
عدد ثابت	C		۰/۴۹۰۸	۰/۱۸۶۲	۲/۶۳	۰/۰۰۸۴
سن سرپرست	A		-۰/۰۹۹	۰/۰۰۶۹	-۱۴/۲	۰/۰۰۰۰
مجدور سن	A*A		۰/۰۰۰۶	۶/۶۳E-۰۵	۹/۸۹	۰/۰۰۰۰
تحصیلات	E	۱=سواد ۰= بی سواد	-۰/۹۱۹	۰/۰۴۲۱	-۲۱/۷	۰/۰۰۰۰
اشتغال سرپرست	EM	۱=شاغل ۰=بیکار	۰/۰۰۹۹	۰/۰۷۶۹	۰/۱۲	۰/۸۹۶۷
تعداد شاغلین	NEM		-۰/۲۶۸۱	۰/۰۱۹۹	-۱۳/۴	۰/۰۰۰۰
بعد خانوار	NF		۰/۶۱۵۳	۰/۰۱۱۹	۵۱/۴	۰/۰۰۰۰
جنسیت سرپرست	S	۱=مرد ۰=زن	-۰/۰۰۱۵	۰/۰۶۱۴	-۰/۰۲۰	۰/۹۷۹۵
شهری یا روستایی	U	۱=شهری ۰=روستایی	-۱/۴۲۵	۰/۰۳۴۷	-۴۰/۹	۰/۰۰۰۰
نسبت وام به هزینه خانوار	L/NE		-۰/۳۰۷	۰/۰۶۹۶	-۴/۴۱	۰/۰۰۰۰

منبع: محاسبات تحقیق

الف) خانوارهای فقیر روستایی

تصریح مدل مورد استفاده در بررسی عوامل شکاف فقر خانوارهای روستایی و شهری به شرح زیر است. در این مدل متغیر وابسته POV نسبت شکاف فقر خانوار است.

$$POV = C + \beta_1 A + \beta_2 E + \beta_3 EG + \beta_4 EM + \beta_5 NEM + \beta_6 NF + \beta_7 S + \beta_8 TL + \varepsilon$$

جدول ۷ نتایج برآورد ضرایب مدل را نشان می دهد. همچنانکه مشاهده می شود باسواد بودن سرپرست خانوار، افزایش دهک هزینه ای خانوار و افزایش تعداد شاغلین در خانوار،

موجب کاهش شکاف فقر و افزایش بعد خانوار سبب افزایش شکاف فقر خانوار می شود. نکته مهم آن است که داشتن یا نداشتن وام جزء عوامل توضیح دهنده شکاف فقر خانوارهای روستایی فقیر نیست و این نشان از ناکارآمدی وام های اعطا شده به خانوارهای روستایی فقیر است. این نتیجه بیان می کند که نظام مالی موجود نمی تواند تأثیر بسزایی در رفع فقر و ریشه کنی آن در جامعه فقیر روستایی داشته باشد.

جدول ۷: مدل رگرسیون خطی برای تعیین عوامل مؤثر در شکاف فقر خانوارهای روستایی

متغیر	علامت	شرح متغیر	مقدار ضریب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری
عدد ثابت	C		-۰/۰۰۲۲	۰/۰۱۴۸	-۰/۱۵	۰/۸۷۸۲
سن سرپرست	A		-۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۵	-۰/۸۱	۰/۴۱۶۵
مجذور سن	A*A		۲۰۸۳E-۶	۴/۹۶E-۶	۰/۵۷	۰/۵۶۷۵
تحصیلات	E	۱=سواد ۰= بی سواد	-۰/۰۰۶۲	۰/۰۰۲۵	-۲/۴۲	۰/۰۱۵۳
دهک هزینه	EG		-۰/۱۲۵۱	۰/۰۰۱۰	-۱۲۱/۴	۰/۰۰۰۰
اشتغال سرپرست	EM	۱=شاغل ۰=بیکار	۰/۰۰۷۰	۰/۰۰۴۶	۱/۵۳	۰/۱۲۵۴
تعداد شاغلین	NEM		-۰/۰۰۳۴	۰/۰۰۱۰	-۳/۲۲	۰/۰۰۱۳
بعد خانوار	NF		۰/۱۱۰۶	۰/۰۰۱۴	۷۶/۴	۰/۰۰۰۰
جنسیت سرپرست	S	۱=مرد ۰=زن	۰/۰۰۳۹	۰/۰۰۴۶	۰/۸۵	۰/۳۹۱۶
وام داشتن یا نداشتن	TL	۱=داشتن ۰=نداشتن	-۰/۰۰۳۳	۰/۰۰۳۳	-۰/۹۹	۰/۳۲۲۰

منبع: محاسبات تحقیق

ب) خانوارهای فقیر شهری

جدول ۸ نتایج برآورد الگوی فوق را برای بررسی عوامل شکاف فقر خانوارهای شهری را نشان می‌دهد. همچنانکه مشاهده می‌شود با سواد بودن سرپرست خانوار و افزایش دهک هزینه ای خانوار سبب کاهش شکاف فقر خانوار شده و افزایش بعد خانوار سبب افزایش شکاف فقر خانوارهای فقیر می‌شود.

جدول ۸: مدل رگرسیون خطی برای تعیین عوامل مؤثر در شکاف فقر خانوارهای شهری

متغیر	علامت	شرح متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری
عدد ثابت	C		-۰/۱۰۸۱	۰/۰۲۳۸	-۴/۵۲	۰/۰۰۰۰
سن سرپرست	A		۰/۰۰۲۲	۰/۰۰۰۹	۲/۳۵	۰/۰۱۸۶
مجذور سن	A*A		-۲/۰۹۶E-۰۵	۹/۰۸E-۰۶	-۲/۳۰	۰/۰۲۱۳
تحصیلات	E	۱=سواد ۰=بی سواد	-۰/۰۰۶۵	۰/۰۰۳۴	-۱/۹۱	۰/۰۵۵۵
دهک هزینه	EG		-۰/۱۰۵۰	۰/۰۰۱۷	-۵۸/۶	۰/۰۰۰۰
اشتغال سرپرست	EM	۱=شاغل ۰=بیکار	-۰/۰۰۱۱	۰/۰۰۵۸	-۰/۲۰	۰/۸۳۸۳
تعداد شاغلین	NEM		۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۱۵	۰/۲۷	۰/۷۸۱۲
بعد خانوار	NF		۰/۱۰۲۶	۰/۰۰۲۷	۳۷/۶	۰/۰۰۰۰
جنسیت سرپرست	S	۱=مرد ۰=زن	۰/۰۰۸۸	۰/۰۰۶۱	۱/۴۳	۰/۱۵۱۶
وام داشتن یا نداشتن	TL	۱=داشتن ۰=نداشتن	-۰/۰۰۱۷	۰/۰۰۳۸	-۰/۴۴	۰/۶۵۴۲

منبع: محاسبات تحقیق

نکته مهم آنکه متغیر داشتن و یا نداشتن وام نتوانسته است از عوامل تعیین کننده شکاف فقر خانوارهای فقیر شهری باشد و این نشانگر ناکارایی وام های پرداخت شده به خانوارهای فقیر شهری است^۱.

در دو برآورد رگرسیون خطی اخیر، آماره R^2 برآورد شده عددی بیش از ۸۵ درصد است، که نشان می‌دهد، متغیرهای توضیحی مدل توانسته‌اند، به‌طور متوسط، ۸۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند.

۶- جمع‌بندی

بررسی کارایی نظام مالی موجود در ایران به لحاظ دسترسی خانوارها به اعتبارات و نیز نقش این اعتبارات در کاهش فقر خانوارها از موضوعات مهمی است که در این تحقیق سعی شد به بررسی آن پرداخته شود. در این راستا با استفاده از داده های بودجه خانوار سال ۱۳۹۰ و با برآورد چند مدل لوجیت و چند مدل رگرسیون خطی نشان داده شد که اولاً در نظام تأمین مالی موجود ایران امکان دسترسی خانوارهای کم درآمد و فقیر به اعتبارات مؤسسات مالی رسمی، بطور نسبی پایین است و ثانیاً اعتبارات اعطایی به خانوارهای کم درآمد و فقیر از عوامل توضیح دهنده شکاف فقر آنها بشمار نمی آید. بر اساس نتایج تحقیق، عواملی چون سن سرپرست خانوار، دهک هزینه ای خانوار، اشتغال سرپرست خانوار، بعد خانوار و شهرنشین بودن یا روستایی بودن خانوار می تواند در احتمال دریافت وام توسط خانوار نقش داشته باشد. در این رابطه خانوارهای دهک های پایین درآمدی، دسترسی مناسبی به اعتبارات بخش مالی رسمی کشور نداشته و این نشان از عدم توزیع مناسب اعتبارات توسط نظام مالی رسمی ایران است. نتایج مدل های لوجیت تعیین کننده عوامل مؤثر در افزایش احتمال فقیر شدن خانوارها، نشان می دهد که اگر خانواری بتواند از اعتبارات مالی استفاده کند، احتمال فقیر شدن کاهش خواهد یافت. با این حال

۱. در دو برآورد رگرسیون خطی، آماره R^2 عددی بیش از ۸۵ درصد است.

خانوارهای فقیری که از اعتبارات توانسته‌اند بهره‌مند شوند، وام‌های اعطایی در کاهش شکاف فقر آن‌ها تأثیر چندانی نداشته است. این نتیجه بیان‌کننده ناکارایی وام‌های خانوارها است که می‌تواند ناشی از عدم توجه به ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی خانوارهای دریافت‌کننده وام و یا پایین بودن نسبت وام به هزینه خانوار باشد. کما اینکه طبق برآوردهای این تحقیق، افزایش نسبت وام به هزینه خانوار، می‌تواند احتمال فقیر شدن خانوار را کاهش دهد.

علل ناکارآمدی اعتبارات اعطایی مؤسسات بانکی و غیر بانکی در اقتصاد ایران در راستای فقر زدایی را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

- هدفمند نبودن اعطای اعتبارات به اقشار کم درآمد در راستای فقر زدایی آنها
- مشخص نبودن گروه‌های هدف و عدم چارچوب مشخص برای شناسایی گروه‌های هدف

- مغایرت اهداف فقر زدایی با اهداف نظام مالی و اعتباری موجود و متعارف
- فقدان اطلاعات مالی لازم فقرا برای دستیابی به خدمات مالی و عدم ارائه اطلاعات توسط نظام مالی موجود.

- بالا بودن هزینه‌های تأمین مالی و ضریب نفوذ کم خدمات مالی
- مقررات و بوروکراسی زیاد در نظام مالی رسمی
- درخواست وثیقه از مشتریان
- عدم همکاری فنی و مشاوره بانک با مشتریان در مورد طرح‌های اقتصادی
- عدم نظارت بانک‌ها روی مصارف وام‌ها
- نبود ساز و کار طرح‌های نوین خدمت‌رسانی به فقرا از جمله مالیه خرد در بانکها
- مشکلات بیشتر مؤسسات غیر بانکی بدلیل عدم شفافیت مقررات و قوانین آنها و مشخص نبودن دقیق جایگاه آنها در نظام مالی کشور
بنابراین نظام مالی موجود در ایران با توجه به ساختار، اهداف و کارکردهای فعلی، در کاهش شکاف فقر خانوارها و نیز ریشه‌کنی فقر، چندان مؤثر نبوده است. البته دور از

انتظار نیست زیرا نظام مالی متعارف به جهت وجود ریسک بالا و با هدف سود آوری بیشتر تمایلی به کار با فقرای جامعه را ندارد و اصولاً بانکداری با فقرا را سودمند نمی‌داند. امروزه الگوهای مالیه خرد در بیش از ۱۶۰ کشور جهان، تجربه اجرا دارند و در بسیاری موارد توانسته‌اند به اهداف کاهش فقر و با توانمندسازی فقرا دسترسی پیدا کنند. استفاده از تجربیات موفق مالیه خرد و تلفیق آن با نظام اقتصادی اسلام منجر به ارائه الگویی کارآمد در زمینه بانکداری و خدمت‌رسانی مالی به فقرا می‌شود که به الگوی مالیه خرد اسلامی، موسوم است. الگوی مالیه خرد اسلامی، به عنوان مکمل نظام مالی موجود، با حفظ نقاط قوت مالیه خرد متعارف و افزودن ظرفیت‌های اقتصادی موجود در شریعت مبین اسلام از جمله، عقود اسلامی و منابعی چون قرض الحسنه و وقف که با فرهنگ غنی ایرانی نیز آمیخته شده است، می‌تواند راهکار مؤثری در افزایش دسترسی فقرا و اقشار کم‌درآمد به خدمات مالی و زدودن فقر از چهره جامعه باشد.

فهرست منابع

- ارشدی، علی و عبدالعلی کریمی (۱۳۹۲)، «بررسی وضعیت فقر مطلق در ایران در سال های برنامه اول تا چهارم توسعه»، فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان، سال یکم، شماره یکم، بهار.
- افتخاری، عبدالرضا و رکن الدین عینالی (۱۳۸۳)، «ارزیابی اعتبارات خرد بانک کشاورزی در توسعه اقتصادی روستایی (مطالعه موردی شهرستان خدابنده)»، فصلنامه پژوهشهای بازرگانی، شماره ۳۴.
- پروین، سهیلا و راضیه زیدی (۱۳۸۰)، «اثر سیاست های تعدیل بر فقر و توزیع درآمد»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۸.
- حسن زاده، علی و صالح قویدل (۱۳۸۴)، «چالش های تأمین مالی خرد روستایی در ایران: مقایسه تطبیقی صندوق های قرض الحسنه روستایی و گرامین بانک بنگلادش»، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سیزدهم، شماره ۴۹، بهار.
- حسن زاده، علی و علی ارشدی (۱۳۸۲)، «نقش اعتبارات خرد در توسعه روستایی»، مجموعه مقالات سیزدهمین کنفرانس سالانه سیاست های پولی و ارزی، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت.
- راغفر، حسین و زهرا ابراهیمی (۱۳۸۶)، «فقر در ایران طی سالهای ۸۳-۱۳۶۸»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۴.
- صمدی، سعید (۱۳۷۸)، «کاهش فقر، کارایی و نابرابری در ایران»، رساله دکتری، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، شماره ۶۳۵.
- عرب مازار، عباس و حشمت الله سعدی (۱۳۸۵)، «نقش اعتبارات خرد در توانمند سازی زنان روستایی: تجربه بانک کشاورزی»، همایش توسعه روستایی و کاهش فقر، بانک کشاورزی، تهران، ۱۹ و ۲۰ آذرماه.
- عرب مازار، عباس و مرتضی حسینی نژاد (۱۳۸۳)، «عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای شاغل روستایی در ایران»، جستارهای اقتصادی، شماره یک، بهار و تابستان.

عرب مازار، عباس و مرتضی حسینی نژاد (۱۳۸۳)، «برآورد میزان فقر و شدت آن در گروه های مختلف شغلی خانوارهای روستایی ایران»، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، شماره ۴۵.

متوسلی، محمود (۱۳۹۰)، *اقتصاد تأمین مالی خرد، نگرشی نهادی به فقرزدایی و درک عمیق تر محرومیت در جامعه بشری*، پژوهشکده پولی و بانکی، ترجمه کتاب *The economics of microfinance*، تألیف Aghion and Mourduch، 2005.

متوسلی، محمود و رضا آقاباباییان (۱۳۸۷)، «بررسی ویژگی های الگوهای موفق مالیه خرد در جهت تعیین عوامل کلیدی موفقیت آن»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۸۳. محمودی، وحید (۱۳۸۱)، *توسعه به مثابه آزادی*، انتشارات دستان. ترجمه کتاب *Development as Freedom*، تألیف Amartya Sen، 1999.

نجفی، بهاء‌الدین (۱۳۸۴)، «تجربه اعتبارات خرد کشاورزی سنتی و دهقانی ایران، همایش توسعه روستایی و کاهش فقر»، بانک کشاورزی، تهران، ۱۹ و ۲۰ آذرماه.

نجفی، بهاء‌الدین و وحید یعقوبی (۱۳۸۴)، «تأمین مالی خرد، راهکارهای نوین برای کاهش فقر در جوامع روستایی»، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال سیزدهم، شماره ۴۹. نیلی، فرهاد و دیگران (۱۳۷۶)، *بررسی تحولات فقر، درآمد و رفاه اجتماعی در اقتصاد ایران*، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه، تهران.

Booth, C. (1892), "Life and Labour of the People in London", Macmillan, London. Qouted in Ravallion. 1998

Christen, R.P (2004), "Financial Institutions Whit a Double Bottom Line: Implications for Microfinance". Washington DC. CGAP Occasional Paper No.8.

Copetstake, J. and R. Williams (2011), "What is the impact of microfinance, and what does this imply for microfinance policy and futre impact studies?" *Oxford Policy Management*.

Glassman, A. and Birdsall, N. (2013), "Can India Defeat Poverty", *Foreign Policy*, 8 January.

Godquin, M. (2004), "Microfinance Repayment Performance in Bangladesh: How to Improve the Allocation of Loans by MFIs", *World Development*, Vol, 32, No.11, PP, 1909-1926

- Helms, B. (2006), *Access to All: Building Inclusive Financial System*, Consultative Group to Assist the Poor. Washington, D.C: The World Bank.
- Hollis, A. and Sweetman, A. (1998b), "Microcredit in pre-famine Ireland", *Explorations in Economic History*, Vol.35, No., pp.345-370.
- Hulme, D. (2000), "IS Microdebt Good for Poor People? A Note on the Dark Side of Microfinance", *Small Enterprise Development*, Vol. 11, No. 1, pp: 26-28.
- Hulme, D. and Mosley, P. (1996), *Finance against Poverty*, Vol, 1&2, Routledge, London.
- Ledgerwood, J. (1999), *Microfinance Handbook: An Institutional and Financial Perspective*. Washington, D.C: World Bank.
- Levy, F. (2002), "Apex Institutions in Microfinance", CGAP Occasional Paper No. 6 Washington DC.
- Mayoux, L. (1999), Questioning virtuous spirals: Microfinance and women's empowerment in Africa. *Journal of International Development*, 11, 957-984.
- Navajas.S. et al (2000), "Microcredit and the Poorest of the Poor: Theory and Evidence from Bolivia", *World Development*, Vol.28, No 2.
- Ravallion, M. (1998), "Poverty Lines in Theory and Practice", LSMS, Working Paper No.133, World Bank.
- Robinson, Marguerite, S. (2001), *the Microfinance Revolution: Sustainable Finance for the Poor*, Vole.1, the World Bank, Washington D.C.
- Rowntree, B.S. (1901), "Poverty: A study of Town life". Macmillian, London, Qouted in Ravallion.1998
- Schreiner, M. (2002), "A Cost-Effectiveness Analysis of the Grameen Bank of Bangladesh". *Development Policy Review*, 21(3), 357-382.
- Sen, Amartya (1981), *Poverty and Famines: An Essay on Entitlement and Deprivation*. Oxford: Clarendon Press.
- Smolo, E. (2011), "A Theory and Contractual Framework of Islamic Micro-Financial Institutions' Operations", *Journal of Financial Services Marketing*, Vol. 15, PP 287-295.
- Snow, Douglas, and T. Buss (2001), "Microfinance: An Institutional Development Opportunity", *International Journal of Economic Development*, Vol. 1, No.1, pp: 65-79.
- Stiglitz, J. and Karla Hoff (1993), "Imperfect Information and Rural Credit Markets: Puzzles and Policy Perspective", *the Economics of Rural Organization; Theory, Practice and Policy*. World Bank.
- Townsend, P. (1979), *Poverty in the United Kingdom*, London: Penguin.
- Woolcock, M. (1999), "Social Theory, Development Policy, and Poverty Alleviation: A comparative-Historical Analysis of Group-Based Banking in Developing Economies". Ph.D. diss., Department of Sociology, Brown University.

World Bank (2001), *World Development Report 2000- 2001: Attacking Poverty*.

Yunus, M. (2003), *Banker to the poor, Micro-Lending and the Battle against World Poverty*, Public Affairs, New York.